

تئاتر در بازداشتگاه‌های «شیلی»

(۲)

رکن‌الدین خسروی

تئاتر «شیلی» پیش و بعد از کودتا

با کودتای امریکائی ۱۹۷۳ و حکومت مردمی «سالوادور آلنده» تئاتر شکوفای «شیلی» نیز سقوط کرد. بسیاری از دست‌اندرکاران به زندان افتادند به قتل رسیدند و به مهاجرت رفتند، یا تبعید شدند.

گروهی از این هنرمندان تبعیدی در سال ۱۹۷۵ با انتشار بیانیه‌ای در «لندن» فعالیت‌های نمایشی «شیلی» پیش از کودتا، و سرنوشت دردناک آن را پس از کودتا به اطلاع جهانیان رساندند. ما در شرح و بیان تاریخچه کوتاه ولی خوب تئاتر «شیلی»، از متن این بیانیه استفاده کرده‌ایم. نکته بسیار قابل توجه و شگفت‌آوری که از مطالعه این بیانیه آشکار می‌شود، این است که پس از کودتای خونین «پینوشه»، زنده‌ترین و پرتحرک‌ترین برنامه‌های نمایشی در بازداشتگاه‌ها، توسط هنرمندان در زنجیر، به صحنه آمدند.

اشاره‌ای مختصر به تاریخ گذشته تئاتر «شیلی»

با اشغال مکزیک توسط اسپانیولها در سال ۱۵۲۱، تئاتر نیز به معنای امروزی خود وارد سرزمین‌های امریکای مرکزی و جنوبی «امریکای لاتین» شد. گفته می‌شود که نخستین نمایش به زبان اسپانیولی در سال ۱۵۲۶ توسط مهاجمین در مکزیک به اجرا درآمد. همچنین آنها در سال ۱۵۹۷، یعنی بیست سال پس از بنای نخستین تماشاخانه دائمی «مادرید» تماشاخانه‌ای در «مکزیکوسیتی» به نام «خانه کمدی» تأسیس کردند. نخستین گروه‌های نمایشی سیار در ۱۵۹۹ به «پرو» رسیدند و سی و چهار سال بعد در ۱۱ سپتامبر ۱۶۳۳ نمایشنامه‌ای توسط فرماندهان و نظامیان اسپانیولسی و همراهان آنها در «شیلی» اجرا شد.

ویژگی‌های تئاتر آمریکای لاتین که آن را از تئاتر ملل اروپائی متمایز می‌کند تنها هنگامی قابل درک است که از تاریخ استعماری اسپانیولها که در قرن شانزدهم آن سرزمین‌ها را به اشغال خود درآوردند، آگاه شویم. اسپانیولها با ناوگان جنگی و سربازان سر تا پا مسلح خود، نه تنها زبان و مذهب جدید بلکه سنت‌های تئاتری اروپا (به ویژه اسپانیا) را نیز همراه خود آورده بودند. و بعد در میان قبایل بومی سرخپوست با نوعی سنت‌های نمایشی زیبا و غنی روبرو شدند که آنها را شگفت‌زده کرد. این نمایشها از آوازاها و رقص‌های آئینی اقوام «اینکا»^۱ و «آرتک»^۲ ریشه گرفته بود. نمایش‌های آئینی «آرتک»ها

۱. Inca از قبایل قدیمی در پرو (آمریکای لاتین).

۲. Aztec گروهی از بومیان سرخپوست که مقارن حمله اسپانیولها به آمریکای مرکزی و جنوبی در مکزیک زندگی می‌کردند.

از داستانهای حماسی همراه با آواز و رقص سرایندگان تشکیل می‌شد. بازیگران از بین طبقات بالای اجتماع و رؤسای مذهبی انتخاب می‌شدند. نمونه‌هایی از شکل اصلی این نمایشها تا قرن نوزدهم در امریکای لاتین هنوز وجود داشت. بهترین نمونه آن نمایشی است به نام «جنگجوی رایینال» که برای نخستین بار در سال ۱۸۵۹ در «گوآتمالا» به‌صحنه آمد. این نمایش تقلیدی بود از مراسم آئینی بومیها که آن را در دهکده‌های دور افتاده انجام می‌دادند. ساختار نمایشی «جنگجوی رایینال» یعنی آوازه‌ها، رقصها، صورتکهای نمایشی، گفتارهای طولانی حماسی و قربانی کردن جنگجوی شکست‌خورده، نشانه‌هایی از شکل اصیل و اولیه این نمایش آئینی به‌دست می‌دهد. این نشانه‌ها حاکی از آن است که اگر اشغالگران با خشونت، رباکاری و حيله‌گری خود موانعی در راه تحول طبیعی این نمایشها ایجاد نمی‌کردند چه شاهکارهای زیبایی می‌توانست به‌دنیا عرضه شود.

مهاجمان، این مراسم نمایشی را نابود نکردند، بلکه توسط کشیشهای رباکار که در پناه سلاح نظامیان برای تبلیغات مذهبی و همچنین برای آموزش زبان و تحمیل فرهنگ اسپانیولی آمده بودند مورد بهره‌برداری قرار گرفت و کمک کرد تا استعمارگران بهتر بتوانند ثروت‌های بومیان را به‌غارت ببرند.

تئاتر اسپانیا در قرن شانزدهم هنوز کاملاً رشد نکرده بود و کشیشها برای مقاصد استعماری خود از نمایشهای بومی بهره‌گرفتند و با اقتباس از آن‌ها اصول مذهبی خود را به‌زبان بومی در میان سرخپوستان اشاعه دادند. در واقع شکل اجرایی این مراسم آئینی را حفظ کردند ولی محتوایش را تغییر دادند. به این معنا که آوازه‌ها و اسطوره‌های مذهبی بومیان جای خود را به نمایشنامه‌های قرون وسطایی (میراکل) و آوازه‌های کاتولیکی و سرودهایی دادند که در کلیساها خوانده می‌شد. اهالی را با اجبار وامی‌داشتند تا در نمایشها بازی کنند. کشیشها برای تزریق محتوای سیاسی - مذهبی کوشیدند این نمایشها از سنتهای قومی فاصله زیادی نگیرد و رنگ و بوی محلی خود را حفظ کند.

نخستین نمایشهایی که در سرزمینهای اشغالی به زبان اسپانیولی به‌وجود آمد، فستیوال «کروپوس کریستی»^۲ بود که در سال ۱۵۲۶ یعنی پنج سال پس از تسلط کامل اسپانیولیها، در «مکزیکوسیتی» اجرا شد. این نوع نمایش بعداً در نمایشهای مذهبی مکزیک تأثیر بسیاری گذاشت، هنوز هم نمونه‌هایی از آنها را در جشنهای سالیانه روستایان می‌توان سراغ گرفت.

این دوگانگی شکل در تئاتر امریکای لاتین یعنی آمیزه‌ای از سنتهای بومی و اروپایی با مسیحیت و مراسم آئینی ابتدائی، طی چهار قرن و نیم‌گاهی جداگانه و گاهی تسامان به حرکت خود ادامه می‌داد.

به‌طوری که هنگامی که اپرای «فلوت سحر آمیز»، ساخته «موتسارت» در مکزیکو سیتی

۱. *Miracle*، نوعی نمایش مذهبی قرون وسطایی. اقتباس از کتاب مقدس، همچنین در باره زندگی قدسین.

۲. *Corpus Christi* (نمایش رستاخیز مسیح) نوعی نمایشنامه مذهبی در قرون وسطی به زبان محلی که بر اساس داستانهای تورات و انجیل بنا شده‌اند.

اجرا شد تماشاگران مکزیکمی از اینکه بعضی از آوازهای اپرا که در اصل به زبان آلمانی است، به زبان مکزیکمی - اسپانیولی خوانده می‌شد، بالباس بازیگران که طرح لباس آرتکها را داشت و دکور صحنه، معبد آرتکها را نشان می‌داد، از این اختلاط زبانها و فرهنگها به هیچوجه شگفت‌زده نشدند. از سوی دیگر بومیان نیز در بعضی از دهکده‌ها نمایشی مذهبی که موضوع آن مربوط به جنگ‌های قرون پانزدهم مراکشی‌ها (مسلمانان) و مسیحیان (اسپانیولیا) بود در فستیوالهای خود اجرا می‌کردند. این ماجرا آنچه‌ان در ذهن بومیان جایگزین شده بود که با وجود اینکه داستان در سرزمین بیگانه و دور دست اتفاق افتاده بود به تدریج در شمار داستانهای فولکلوریک مکزیک قرار گرفت.

از نمایشنامه‌هایی که در قرون شانزدهم و هفدهم در سرزمینهای اشغالی نوشته شده است آثاری باقی نمانده است. گفته می‌شود سه نمایشنامه از آثار «لوپه دووگا»^۱ به زبان بومی (کواچوآن)^۲ ترجمه شده بود.

در ۱۷۸۵ نمایشنامه‌ای به نام «اولانتای» به زبان بومی نوشته شد که توسط پروئی‌ها در برابر «توپاک آمارو» آخرین رهبر انقلابی پرو که از قوم اینکا بود و علیه سلطه اسپانیا مبارزه می‌کرد، به صحنه آمد. اجرای این نمایشنامه به‌زودی از طرف فرماندار اسپانیایی ممنوع اعلام شد. از این نمایشنامه چند نسخه‌ای از گزند حوادث مصون ماند و اکنون به اغلب زبانها ترجمه شده است.

امریکای لاتین پس از قرن‌ها مبارزه سرانجام در قرن نوزدهم استقلال یافت. اسپانیولیا بیرون رانده شدند و تاثیر مدرن (به معنای تاثیری که تحت تأثیر تئاتر انقلابی «ایسین»^۳ بود) در همین زمان به تدریج در آرژانتین، شیلی و مکزیک پا گرفت.

در شیلی از اوائل قرن بیستم (سال ۱۹۱۱) فعالیت نمایشی ابتدا در مناطق جنوبی و شمالی که دارای معادنی غنی و ثروتمند بود، آغاز شد. صاحبان شیلیائی یا اروپائی معادن برای سرگرمی خود از خوانندگان اپرا یا ستاره‌های معروف اروپائی نظیر: «سارابرنارد» دعوت می‌کردند. نخستین گروه‌های نمایشی شیلیائی تحت تأثیر همین هنرمندان و با کمک مالی صاحبان ثروت شکل گرفتند و به تدریج بر اعتبار و اهمیت تجارتي - فرهنگی‌شان در «سانتیاگو» پایتخت زمینداران، کارخانه‌داران و صاحبان معادن افزوده شد. این نمایشگران هنر سرگرم‌کننده خود را در خدمت تماشاگران خاصی قرارداد دادند. در سالهای ۱۸۹۰ تا ۱۹۳۰ یعنی در دوران شکل گرفتن تئاتر جدید «شیلی» تعداد نمایشنامه نویسان معروف انگشت شمار بودند. معروفترین آنها عبارت بودند از: «دانیل باروس - گرز» و «خوآن رافائل آلنده».

نمایشنامه‌های «گرز» بیشتر جنبه فولکلوریک دارد. «آلنده» که در حدود هفده نمایشنامه نوشته بیشتر آثارش به شعر است. عامه‌پسندترین نمایشنامه‌ها در اواخر قرن نوزدهم

۱. *Lope Devega* (۱۶۳۵-۱۵۶۲) نمایشنامه‌نویس اسپانیولی.
۲. *Quechuan* گروه زبانهای آمریکای جنوبی شامل پرو، اکوادور، بولیویا و آرژانتین. زبان اینکاها شعبه‌ای از این گروه است.
۳. *Henrik Ibsen* نمایشنامه‌نویس معروف نروژی ۱۹۰۶ - ۱۸۲۸.

نمایشنامه‌ای کم‌دی است به نام «دون لوکاس - گومز» اثر «ماته تو - مارتینز - کوئه وود».

به تدریج گروه‌های تئاتری بازیگران و نمایشنامه‌نویسان جدید پا گرفتند. از آن میان سه نمایشنامه‌نویس بیش از دیگران شهرت یافتند:

۱ - «آنتونیو - آسودو - هرناندز». این نمایشنامه‌نویس دارای افکاری انقلابی بود و در نمایشنامه‌هایش، (در حدود پنجاه نمایشنامه نوشته)، که جنبه ناتورالیستی دارد با توانایی مسائل اجتماعی شیلی را مورد بررسی و انتقاد قرار می‌داد. معروف‌ترین نمایشنامه‌های او عبارتند از بوئه خارسیاه ۱۹۱۳، سرود دادگاه ۱۹۲۱.

۲ - آرماندو - هولک. کم‌دی نویس. شهرت او در ارائه داستان‌های شاد و قدرت شخصیت‌پردازی اوست. آثارش بیش از دیگر نمایشنامه‌نویسان در امریکای لاتین اجرا شده است. از جمله نمایشنامه‌هایش می‌توان «مار» ۱۹۲۵ و «جوان ترها» ۱۹۲۹ را نام برد.

۳ - جرمان - لوکو - کروچاگا. اثر معروف او نمایشنامه‌ای است به نام «بیوه آبا بلازا».

در سال ۱۹۳۵ هنرپیشه معروف زن اسپانیولی به نام «مازگاریتو - خارگو» اسپانیا را ترک گفت و در سانتیاگو مدرسه بازیگری تأسیس کرد. مدرسه او بعدها تبدیل به تئاتر ملی شد. این زن هنرمند با تربیت کردن تعداد زیادی بازیگر تأثیر بسیاری بر تئاتر شیلی گذاشت.

از این پس تا سال ۱۹۴۱ تحول چندانی در تئاتر شیلی به وجود نیامد. قدم‌اساسی در پیشرفت تئاتر شیلی از ۱۹۴۱ با تأسیس گروه تجربی تئاتر دانشگاه شیلی برداشته شد. این گروه بعدها به نام «انستیتو تئاتر دانشگاه شیلی» شهرت یافت. دانشگاه شیلی هر ساله مسابقه نمایشنامه‌نویسی ترتیب می‌داد و به این طریق در خلق نمایشنامه‌نویسان جدید سهم مهمی ایفا کرد. نمایشنامه‌نویسانی که بین سال‌های ۱۹۲۲ - ۱۹۱۵ متولد شده بودند آثارشان بیشتر واقع‌گرایانه بود و جنبه اجتماعی داشت. مهمترین آنها عبارتند از: «ماریا آسون سیون»، «ایزیدور - آگوئیر» و «روبر توسارا». آگوئیر و تعداد زیادی نمایشنامه‌نویس است که از آن میان باید از نمایشنامه کم‌دی موسزیکال او به نام «خانه تابستانی» ۱۹۶۵ یاد کرد.

نمایشنامه نویسان دیگری که شهرتی دارند و اغلب تحصیل کرده دانشگاه‌های تئاتر هستند عبارتند از:

البرتو - هیرمان: موفقیت او بیشتر در نوشتن نمایشنامه‌های روانشناختانه است. «هیرمانز» نخستین کم‌دی موسزیکال شیلی را به نام: «این خانم ترینی» در ۱۹۵۸ تصنیف کرد.

«اگون ولف»: نویسنده نمایشنامه «مهاجمان» ۱۹۶۲.

«فرناندو جومو»: این نمایشنامه‌نویس تحت تأثیر نوشته‌های سارتر و کامو قرار دارد.

«یوگن - دیاز»: او تحت تأثیر تئاتر پوچی به ویژه آثار «یونسکو» است. مهمترین اثرش عبارت است از: «گورستان جانوران پستاندار» ۱۹۶۳.

«سرجیو - دودانوچ»: نمایشنامه‌های معروفش عبارتند از «پروانه سفید» ۱۹۶۵ و

«ببخشید ما در حال جنگ هستیم» ۱۹۶۶.

در اینجا باید از دو نمایشنامه نویس دیگر که به علت محتوای سیاسی آثارشان، شهرت و محبوبیت جهانی یافته اند یاد کنیم:

۱- «پابلونوردو»: انسان، شاعر و مبارز بزرگ. نمایشنامه زیبای او به نام «روشنائی و مرگ یو کوئین موریتا» در سال ۱۹۶۷، مورد توجه بسیاری از تماشاگران و محافل تئاتر-شناس قرار گرفت.

۲- «جیم سیلوا»: نمایشنامه معروف او عبارت است از: «مصیبت به روایت جیمز مقدس»

۱۹۶۹.

تئاتر «شیلی» در زمان «آلنده»

پس از پیروزی «آلنده» در انتخابات ریاست جمهوری فعالیت‌های نمایشی در سه شکل عمده آغاز شد:

الف: تماشاخانه‌های مستقل حرفه‌ای - تجارتهی.

با وجود رکودی که در کار تئاتر به علل مشکلات سیاسی و اقتصادی پیدا شده بود، در حدود ده سال قبل از «آلنده» گروه‌های جدیدی ظهور کردند. این گروه‌ها بیشتر از اسلاف خود به فرهنگ اصیل و راستین شیلی تمایل نشان می‌دادند. برخوردشان با تئاتر جنبه علمی تری داشت و برای این هنر و نقش اجتماعی آن ارزش بیشتری قائل بودند. مانند گروه: «انجل»، «تئاتر نوئه وو - اکسترمو» (به معنای فوق مدرن) و «کم‌دیا».

با تشدید بحران‌های اقتصادی و نارضایتی‌های اجتماعی اغلب این گروه‌ها ناگزیر شدند برای جلب تماشاگرانی که جذب سینما و تلویزیون شده بودند، در برنامه‌های خود تغییرات اساسی به وجود آورند. برخی از آنها قدم فراتر نهادند و گرایش بیشتری به ارزش‌های ملی و انسانی نشان دادند. حتی تعدادی از آنها در زمان «آلنده» ارتباط و پیوند سیاسی عمیق تری با محافل کارگری برقرار کردند مانند گروه «نوئه وو - اکسترمو». این گروه نمایشنامه «شاه اوبو»، نوشته «آلفرد دزری» و نمایشنامه درباره «مانوئل رودریگوئز» را همزمان با کودتا به صحنه آورد. این نمایشنامه درباره «مانوئل رودریگوئز» انقلابی مشهور شیلیائی در دوران استقلال بود.

گروه‌های تجارتهی جوان نیز برای جلب توجه تماشاگران جوان و خرده بورژواهای مرفه و روشنفکر به تغییرات سطحی و کم مایه تری در زمینه تئاترهای پیشرو (آوانگارد) و «تئاتر بی رحمی» دست زدند. چاشنی این نمایشها اغلب انتقادهای بی ضرر و کم اهمیتی بود درباره اصطلاح کاغذبازی اداری که اساساً به جانی بر نمی‌خورد! لیکن به علت تشدید درگیریهای اجتماعی، تقسیم جامعه به دو قطب متضاد و فضای پرهیجانی که در سال ۱۹۷۲ بر سراسر شیلی گسترده شده بود، این گروه‌ها هرگز موفق نشدند که به همیشگی تماشاگران خود را جبران کنند. زیرا تماشاگران بیشتر اشتیاق داشتند که در حوادث هیجان انگیز زندگی روزمره کشورشان شرکت کنند تا این که شاهد تراوشات فکری بی‌رمقی باشند که در صحنه‌های تئاتر سانتیاگو به تصویر کشیده می‌شد.

ب: کارهای سینما، رادیو و تلویزیون مستقل حرفه‌ای

در سال ۱۹۶۸ دو حادثه بسیار مهم اجتماعی - فرهنگی در شیلی اتفاق افتاد: روی آوردن تعداد عظیمی از مردم به سوی سینما و تلویزیون و تأسیس اتحادیه بازیگران تئاتر، سینما، تلویزیون و رادیو. هدف اصلی این اتحادیه دفاع از خواسته‌های صنفی و فرهنگی بازیگران بود. در ۱۹۷۰ اتحادیه به عنوان تنها نماینده بازیگران شیلیایی توسط اکثریت دست اندرکاران تئاتر به رسمیت شناخته شد. تمامی بازیگران به عضویت آن درآمدند و اتحادیه توانست به موفقیت‌هایی نائل شود. البته باید اذعان داشت که این کوششها آن طور که انتظار می‌رفت نتوانست پیشرفت زیادی داشته باشد. زیرا صاحبان ثروت که چهره‌های واقعی خود را زیر صورتک‌های خیرخواهانه پنهان کرده بودند، هرگز تسلط خود را بر رسانه‌های گروهی از دست ندادند. از سه فرستنده تلویزیونی دوفرستنده تحت نظر آنها بود و تنها در سانتیاگو بر ۱۵ ایستگاه فرستنده رادیویی و ۱۰ روزنامه نظارت کامل داشتند.

تئاتر غیر حرفه‌ای (آما‌توری): با این که تئاتر غیر حرفه‌ای (البته به صورت ابتدایی)، در شیلی سابقه‌ای طولانی دارد ولی تنها چند سالی پیش از «آلنده» اهمیت و گسترش خود را یافت. تئاتر غیر حرفه‌ای در شیلی وسیله‌ای بود برای بیان نایسامانیهای فرهنگی و اجتماعی. در ۱۹۷۲ نخستین کنفرانس تئاتر غیر حرفه‌ای با ابتکار انجمن ملی تئاتر غیر حرفه‌ای و با شرکت بیش از دویست و پنجاه هیئت نمایندگی از سراسر کشور، تشکیل یافت.

۶ تئاتر دانشگاهی (گروههای حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای دانشجویی)

تئاتر دانشگاهی شیلی که در ۱۹۴۰ از بطن فعالیتها و نارضا پتیهای دانشجویی زاده شده بود عکس العملی بود در برابر تئاترهای تجارتمی. این گروهها برای یافتن شکلهای جدید اجرائی از نظریه‌های تئاتری اروپا بهره گرفتند و به حمایت از نویسندگان شیلیایی که با تحولات تئاتری آشنائی داشتند، پرداختند. این دانشجویان که به نسل چهل و یک معروفند و خواستار اصلاحات عمیق اجتماعی بودند، مسائل حاد فرهنگی و اجتماعی شیلی را به صحنه‌های تئاتر کشاندند.

با تشکیل تئاتر تجربی در دانشگاه شیلی (۱۹۴۲)، اساس تئاتر دانشجویی ریخته شد و از آن پس روز به روز تحول بیشتری یافت. اهداف اصلی این گروهها عبارت بود از:

- ۱- معرفی نمایشنامه‌های معروف جهان.
- ۲- خلق فضائی مناسب برای تجلی فرهنگ ملی و ارزشهای انسانی آن.
- ۳- توسعه فعالیت‌های تئاتری در سراسر شیلی.

سه سال بعد مدرسه تئاتر دانشگاه شیلی بر اساس روش استانیسلاوسکی تشکیل شد. این مدرسه با وجود تأکید و توجه بیش از حد به تکنیک بازیگری و نداشتن ارتباط با تئاترهای خارج از مدرسه، به زودی تبدیل به یکی از مشهورترین و با اعتبارترین مدرسه‌های امریکای جنوبی شد.

گروههای دانشجویی که در سال ۱۹۷۳ فعالیت داشتند عبارت بودند از: تئاتر دانشگاه شیلی، تئاتر دانشگاه صنعتی، تئاتر دانشگاه کاتولیک، تئاتر دانشگاه کنسپسیون، تئاتر دانشگاه شمالی، مدرسه تئاتر دانشگاه شیلی، مدرسه تئاتر سینما و تلویزیون دانشگاه کاتولیک، کارگاه نمایش دانشگاه کنسپسیون.

يك سال قبل از کودتا به علت نیاز روز افزونی که به طرح اوضاع سیاسی و اجتماعی شیلی احساس می‌شد، در تئاترهای غیر حرفه‌ای، هم از نظر کیفی و هم کمی تحولی اساسی پدید آمد. اعضای اتحادیه بازیگران سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون، تئاترهای دانشجویی و مدرسه‌های تئاتر، فعالیتهای چشمگیری را آغاز کردند:

۱) تشکیل نخستین کنگره تئاتر غیر حرفه‌ای و دانشجویی در ۱۹۷۰ با ابتکار انجمن دانشجویان مدرسه تئاتر دانشگاه شیلی. در این کنگره پنجاه هیئت تئاتری به نمایندگی از طرف گروههای غیر حرفه‌ای، تئاترهای دانشجویی و مدارس تئاتر شرکت داشتند. نتیجه اساسی این کنگره این بود که تدریس، پژوهش و گسترش هنر تئاتر توسط دانشگاهها باید با همکاری نزدیک دیگر سازمانهای فرهنگی و تئاتری انجام پذیرد.

پس از این کنگره گروههای دانشجویی و مدارس تئاتر برای اجرای نمایش در مکانهای عمومی به اقدامات وسیعی دست زدند:

الف) کارگاههای نمایش دانشگاه «کنسپسیون» نمایشهای درمجامع دهقانی و کارگری اجرا کردند.

ب) دانشجویان سال سوم و چهارم دانشگاه شیلی پس از شش ماه تحقیق و تمرین نمایشنامه‌های «تاپیروزی نهائی» و «چگونه يك کارخانه شیلیائی به وجود آمد» را به صحنه آوردند. این نمایشنامه‌ها تا يك سال پیش از کودتا در بسیاری از شهرهای کوچک، کارخانه‌ها و محافل دهقانی اجرا می‌شد. در تابستان ۱۹۷۳ شش نمایشنامه (دو نمایشنامه برای کودکان) توسط گروه مدرسه تئاتر دانشگاه شیلی به صحنه رفت. این نمایشنامه‌ها را بیش از چهل هزار کارگرمشاهده کردند. در بعضی از شهرها برای کارگران، کارگاههای نمایش و کلاسهای بازیگری تشکیل یافت.

۲) سازمان فرهنگی دولتی - این سازمان از سال ۱۹۷۱ به تشکیل کلاسهای برای تعلیم تئاتر در سراسر شیلی اقدام کرد.

در بیانیه هنرمندان تبعیدی گفته می‌شود: «با تمام اشکالات و اشتباهاتی که در کار بود، در این سالهای طوفانی، حرکت فرهنگی غنی و پرباری در شیلی آغاز شد و نیروی خلاقه عظیمی از درون توده مردم تولد یافت.»

تئاتر پس از کودتا

در بیانیه نوشته شده است: «همه می‌دانند که کودتا با میهن ما و ملت ما چه کرد. دیگر نیازی به تکرار آن نیست. در این جا می‌کوشیم فقط آنچه را که بر سر تئاتر و زندگی فرهنگی شیلی آمده است شرح دهیم: بلافاصله بعد از کودتا تمام تئاترهای غیر حرفه‌ای تعطیل شد. سازمانهای مردمی نیز که از عمق انقلاب روئیده بود نابود شدند و اعضای آنها تحت شکنجه قرار گرفتند. بسیاری از بازیگران غیر حرفه‌ای به قتل رسیدند یا به زندان رفتند. برای بقیه امکان هیچگونه فعالیتی باقی نماند.»

تئاترهای دانشگاهی بسته شدند یا تجدید سازمان یافتند. در تئاتر دانشگاه شیلی تنها به چهار نفر بازیگر از گروه قدیمی اجازه کار داده شد. قرارداد افراد فنی لغو شد و برخی از

آن‌ها به زندان افتادند. تنها، نمایشنامه‌های کلاسیک اجازه اجرا یافت. تئاتر دانشگاه کاتولیک اکنون به شدت تحت نظارت وزارت فرهنگ کودتا قرار گرفته است. مدرسه تئاتر دانشگاه شیلی در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ (در روز کودتا) به وسیله بمب منفجر و به آتش کشیده شد. مدرسه تبدیل به نوعی مدرسه «هنری» برای فرزندان ثروتمندان شده است. بسیاری از دانشجویان و معلمها به زندان افتاده‌اند، برخی به خارج گریخته‌اند، به قتل رسیده‌اند یا ناپدید شده‌اند. کارگاه نمایش دانشگاه «کنسپسیون»، مدرسه تئاتر، سینما و تلویزیون دانشگاه کاتولیک تعطیل شده‌اند. هر کجا که بنا به دلایلی تئاتر دانشگاهی توانسته است به فعالیت خود ادامه دهد، اداره آن به عهده کسانی که سرسپرده رژیم هستند گذاشته شده است.

کارهای مستقل حرفه‌ای

اکنون تمامی رسانه‌های گروهی در اختیار نظامی‌ها قرار گرفته و سانسوری شدید بر آنها حاکم است. فهرستی طولانی از بازیگران، کارگردانان، فیلمبرداران، صدا برداران و افراد فنی دیگر که به زعم رژیم صلاحیت استخدامی ندارند تهیه شده است. بیش از سی بازیگر حرفه‌ای به زندان افتاده‌اند و بیش از یکصد و پنجاه نفر بازیگر، استاد تئاتر، طراح و افراد فنی تلویزیونی در تبعید به سر می‌برند.

گروههای مستقل

کار تمامی گروههای مستقل تعطیل شد. تئاترهای تجارتي به علت بحران عمومی اقتصادی خود به خود ورشکسته شدند. تماشاخانه‌ها به دلیل جالب نبودن نمایشها یا مشکلات مالی، تماشاگران خود را از دست دادند.

ولی رژیم دیکتاتوری سعی کرد این بحران را حل کند. به همان طریقی که اسلافشان حل کرده بودند! یعنی تولید زندگی فرهنگی و هنری برای کسانی که قدرت خرید آن را دارند! ناگهان سروکله نمایشهای تفریحی و موزیکال بین‌المللی پیدا شد: «مردی از لمانچا» یا «مسیح ستاره برنز» به زبان شیلیایی! جشنواره‌های بین‌المللی آواز مثل علف هرز از هر طرف سردر آورد! این برنامه‌ها به طور وسیعی از رادیوها و تلویزیونها پخش می‌شد. از هنرمندان سرشناس جهان نظیر: «مارگوت فونتنین» و «آلویا نیکولاس» برای اجرای برنامه دعوت می‌کردند. در بیانیه گفته می‌شود: «با وجودی که ما با احترام از این هنرمندان بساد می‌کنیم ولی ناگزیریم احساس واقعیمان را نسبت به آنها بیان داریم. در حقیقت رژیم دیکتاتوری برای این که در محافل جهانی چنین تصور شود که در شیلی زندگی فرهنگی و هنری عمیقی جریان دارد از این هنرمندان بهره می‌گرفت.»

پارک عمومی «اوهیگینز» که تفریحگاه مردم عادی بود بسته شد و در اختیار ثروتمندان قرار گرفت تا آنجا را به نمایشگاه مدبهاره تبدیل کنند رژیم همچنین زندانیان را ناگزیر می‌کرد که به آوازهای ناهنجار آقای «رامون وینی» آواز خوان تبلیغات چی که برای اجرای برنامه به بازداشتگاه آورده می‌شد گوش فرادهند. در حالی که دوستان عالی‌رتبه نظامی اش او را همراهی می‌کردند!

با وجود همه این شکنجه و کشتارها، زندگی چون رودخانه‌ای سیال و پاک به جریان خود ادامه می‌دهد. بیانیته خاطر نشان می‌کند: «نوعی فعالیت فرهنگی و هنری - واقعاً مردمی در بطن این تاریکی و دهشت جوانه زد. از تئاتر در «بازار شنگاه» سخن می‌گوئیم. یعنی از آن زندگی فرهنگی غنی که زندانیان در درون وحشت سلولها با تشکیل کلاسهای هنری، مسابقات ادبی، تئاتر، نقاشی، مجسمه سازی، حکاکی و... برای خود خلق کردند. تئاتر در بازار شنگاهها در شرایطی اجرا می‌شد که سایه سرنیزه بر سرتاسر میهن ما سنگینی می‌کرد.» در زیر به شرح پاره‌ای از این فعالیت‌های هنری که از طریق زندانیان آزاد شد جمع-آوری شده است می‌پردازیم:

بازار شنگاه «چاکابوکو»: اجرای سه نمایشنامه که هدفش دست انداختن برنامه‌های تلویزیونی امریکا بود. به نامهای: «دزد دریائی»، «در غرب دور»، «فوتبال» و یک نمایش موزیکال به نام «کالدوس بیل» رقصهای محلی، دو فستیوال موسیقی و یک فستیوال شعر خوانی. بازار شنگاه «قرس آلاموس»: اجرای ترجمه آزاد نمایشنامه‌های «آنتیگون» اثر «سوفوکل»، «کریسمس در زندان»، «آدم آدم است» اثر «برتولد برشت»، «آقای فرمانده» اثر «آ. کاسونا» و دو فستیوال موسیقی.

بازار شنگاه «پوچون کادی»: شعر خوانی، رقص و موسیقی به مناسبت روز جهانی زنان، اجرای نمایشنامه‌های «شازده کوچولو» اثر «سنت اگزوپری»، «مرغ دریائی»، «جوناتان لیوینگستون» اقتباس از نوشته «ریچارد باخ»، «آقای فرمانده» اثر «آ. کاسونا»، نمایشهای هفتگی عروسکی برای فرزندان زندانیان.

بازار شنگاه ایالتی «لوس آنجلس»: نمایشنامه‌ای مربوط به زندان به نام «سرنوشت ده مرد» و فستیوال موسیقی.

بازار شنگاه «ورزشگاه» شیلی: فستیوال آواز و شعر خوانی. نمایشنامه «سیندرلا». بازار شنگاه «کادسل پابلیکا انکوسوکا رسل»: تئاتر، کلاس‌های بازیگری و بدیهه‌سازی و فستیوال‌های آواز.

در بازار شنگاه‌های دیگر نظیر ورزشگاه «کنسپسیون» و ورزشگاه «ملی» و غیره نیز چنین فعالیتهای فرهنگی و هنری جریان داشت.

بیانیه می‌گوید: «لازم به تذکر نیست که تماشاگران این نمایشها بیش از تمام تماشاگرانی بودند که تئاترهای تجارتي تاکنون به خود دیده بودند. تماشاگرانی که هفتاد درصد آنها را کارگران تشکیل می‌دادند. اجرا کنندگان نیز اغلب یا کارگران بودند یا دانشجویان رشته تئاتر و بازیگران حرفه‌ای. کیفیت اجراها بسیار عالی و از خلاقیتهای چشم‌گیری بهره‌مند بود.»

بیانیه با این کلمات پیام خود را به پایان می‌رساند:

«سراجم با همبستگی و فعالیت‌های گسترده و همه جانبه سازمانهای بین‌المللی، رژیم دیکتاتوری ناگزیر شد بسیاری از زندانیان را آزاد کند و به خارج از کشور بفرستد. ما هنرمندان در تبعید باید از همکاری هنرمندان تئاتر و سندیکاهای آنان در کشورهای دیگر جهان سپاسگزار باشیم. هنوز بسیاری از یاران ما در زندانند یا این خطر برایشان وجود

نیکلا یانکو و ایتسارف

نیکلا و ایتسارف شاعر بلغاری در ۱۹۰۹ زاده شد و در سال ۱۹۴۱ به دست
دژخیمان نازی تیرباران گردید. در اینجا نمونه‌ای از شعر او را می‌خوانیم.

تاریخ

تاریخ، تو در تو مار بی‌انتهایت
به پاس کارهایمان در کارخانه‌ها
برای مسئولیتی که روزانه داشته‌ایم،
به تکوینی نامی از ما خواهی برد؟

در کشتزارها جان بر سر زمین گذاشتیم
با بوی تند پیاز و نان بیات ساختیم،
با دشنام زیر لب، با خشم فروخورده،
با نفرین، برزندگی خویشتن ناخستیم.

تو با این اندک کارها، کلان و بیکران شدی
با خبرهای کوچک غنایت بخشیدیم،
عطش سیری‌ناپذیرت را با خون سیل آسا
با قتل عام انبوه مردمان فرو نشانیدیم.

→ دارد که پس از آزادی دوباره دستگیر شوند یا به قتل برسند. ما در حالی که از هم میهنانمان
طلب یاری داریم، خود را نیز نمی‌توانیم دور از مصائبی احساس کنیم که در شیلی بر آن‌ها
می‌گذرد. ما نیز باید آن‌ها را متقلاً بلا^۱ برای رهائی از فاشیسم یاری دهیم. تنها سلاح مادر
این نبرد دانش هنری و تجربیات ماست. اکنون هنگام آن رسیده است که تجربیاتی را که
آموخته‌ایم در اختیار ملتمان قرار دهیم.

از اینرو با پشتیبانی «کمیته فرهنگی شیلیایی» به تشکیل گروه تئاتری در تبعید اقدام
کرده‌ایم. هدف ما این است که هم میهنان خود را برای رویارویی با آن بلای سهمگینی که
در زادگاه مآظهور کرده است، یاری دهیم. مانه تنها ارزشهای انسانی خود را در زیر فشار
تحقیرها، اهانتهای آزار و شکنجه‌ها - آن‌طور که حاکمیت سفاک انتظار داشته است - از دست
نداده‌ایم بلکه بانیروئی عظیم و توفنده، عزم راسخ داریم که از طریق کارهای تئاتری خود،
با برنامه‌های دیکته شده و مشخص رژیم دیکتاتور که برای ویران‌سازی فرهنگ غنی میهن
بزرگمان، طرح ریزی شده است، به مبارزه‌ای بی‌امان ادامه دهیم.»

امضاء:

بازیگران تبعیدی شیلیایی

کمیته فرهنگی شیلیایی

جمعیت مبارزه برای اتحاد و همبستگی